



چکیده

آیین سالانه نخل‌برداری در زیارتگاه کوه سفید روستای وش که توسط اهالی و به همراهی ابوزیدآبادی‌ها انجام می‌شود، متضمن عناصر آیینی و اسطوره‌های سرشار است. محور اسطوره‌ای آیین، غیبت تعدادی از اولیا در دو زیارتگاه اولیاءالله و کعبه کوچک کوه سفید است. باورهای مردم در این زمینه، شباهت اساسی با درون‌مایه‌ای مشترک اسطوره غیبت دختر در فلات ایران دارد که با رؤیا، قداست آب و جایگاه قدسی چشمه‌ای در پیوند است. این باور همچنین محور آداب زیارتگاهی کوه سفید را تشکیل می‌دهد؛ از این رو تباوت‌واره نخل را هر سال در ۲۸ صفر از آبادی حرکت داده و در دو محل زیارتگاهی کوه سفید می‌گردانند. این آیین متضمن باورهایی بس قدیمی است و ریشه در باورهای ایرانی دارد. ترکیب متفاوت برگزارکنندگان هم شگفت است، حضور اهالی ابوزیدآباد که از دشت به نسبت دوردستی برای برپایی مراسم می‌آیند نیز می‌تواند یادآور دوران کوچ‌نشینی آنان بین بیلاق کوهستان کرکس و قشلاق دشت کویری ابوزیدآباد باشد. مجموعه باورها و آیین‌های زیارتگاه‌های کوه سفید وش با آیین ایرانی قربانی گاو و باران‌خواهی در سی‌وششمین روز بهار اسفنجان در آذربایجان شرقی شباهت زیادی دارد که نشان‌دهنده بن‌مایه‌های ایرانی آن است.

کلیدواژه‌ها: نخل‌برداری، بیست‌وهشتم صفر، آبادی وش، زیارتگاه‌های کوه سفید، اسطوره غیبت دختر، قربانی گاو اسفنجان.

* استادیار دانشگاه کاشان / mmn5135@kashanu.ac.ir

آیین نخل‌برداری
زیارتگاه‌های کوه
سفیدوش بر پایه...



۱. بیان مسئله

آیین نخل برداری روز ۲۸ صفر در زیارتگاه کوه سفید وش روستایی از توابع نطنز برگزار می‌شود؛ این آیین دربردارنده عناصر اسطوره‌ای دینی، فرهنگی و قومی است که آن را از دیگر آیین‌های مشابه متمایز می‌کند.

بر طبق سنتی دیرینه، صبح روز ۲۸ صفر مصادف با رحلت پیامبر(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع)، اهالی وش به همراه اهالی ابوزیدآباد، نخل آبادی را تزئین کرده و از حسینیه آبادی به طرف زیارتگاه کوه سفید و سپس اولیاءالله حرکت داده و در محل «سر زیارت» با زنجیرزنی و روضه خوانی مراسم را خاتمه داده و پس از صرف نهار دوباره نخل را به طرف روستای وش آورده و در محل مخصوص آن در حسینیه قرار می‌دهند. گرچه نخل روستا چندان بزرگ نیست، حرکت دادن آن در مسیر مالرو صععب‌العبور و بسیار طولانی چندکیلومتری تا بلندای کوه، کاری دشوار است و با کمک ابوزیدآبادی‌ها انجام می‌شود که می‌تواند نشانه‌ای باشد بر سابقه کوچ‌نشینی و ییلاق-قشلاق ابوزیدآبادی‌ها در کوهستان و دشت کاشان.

آیین نخل برداری و باورهای مربوط به زیارتگاه کوه سفید که محل رجوع مردم وش و ابوزیدآباد است، بر باورهای ایرانی و به‌ویژه آیین‌های برکت‌بخش مبتنی بر قداست چشمه و آب و برکت‌خواهی است و با اسطوره غیبت دختر که درون‌مایه بسیاری از مراکز زیارتگاهی و قدمگاهی مرتبط است. این ویژگی‌های متمایزکننده، ضرورت پرداختن به جنبه‌های مختلف نخل برداری کوه سفید وش را ایجاب می‌کند.

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که تاکنون درباره نخل برداری کوه سفید پژوهشی انجام نشده است؛ گرچه درباره آیین نخل برداری کتاب‌ها و مقالات زیادی منتشر شده و همین‌طور درباره وجه اسطوره‌ای این مکان مقاله‌ای با عنوان «اسطوره غیبت دختر» (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۵) انتشار یافته است.

لذا به دلیل فقدان مدارک اسنادی گزارش از این محل و این آیین، کاملاً بر مشاهدات نویسنده مقاله مبتنی است که در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ از نزدیک این آیین را مشاهده و با آیین‌گزاران وش و ابوزیدآبادی مصاحبه کرده است. در واقع فقدان مدارک اسنادی باعث شده که بیشتر مدعیات بر اساس مشاهده باشد که البته این مشاهدات با تصاویری نیز مستند خواهد شد تا جنبه اسنادی قوی‌تری داشته باشد.

۲. روستای وش و مردمانش

روستای «وش» یکی از روستاهای دورافتاده، با فاصله ۵۰ کیلومتری از مرکز شهرستان «نطنز» است. این روستا از طرف کاشان مسیر ماشین‌رو ندارد و برای رفتن باید به روستای «تتماج» رفت و پس از طی مسافتی در بالادست تتماج، وسیله نقلیه را در جایی به نام «گذار» کنار چشمه‌ای که آنجاست و امروزه پارکینگی با امکانات اولیه آب و برق و نگهبان دارد، پارک و سپس پیاده در دامنه کوه به سمت آبادی حرکت کرد (نک: تصویر ۱).



تصویر ۱: گذار؛ پارکینگ در بالادست روستای تتماج

مسیری برای عبور پیاده و چهارپا آماده و سنگ‌چین شده است که چند کیلومتر راه به سمت بالا است و حدود یک ساعت طول می‌کشد (نک: تصویر ۲). نخستین نقطه‌ای که ظاهر می‌شود زیارتگاه «اولیاءالله» است که در سمت چپ مسیر قرار دارد، «سر زیارت» در مقابل و در تپه بالادست آن زیارتگاه «کعبه کوچک» است. از سر زیارت که در واقع «زائرسرای کوه سفید» است، مسیر به سمت وش امتداد دارد و پس از طی مسیر تقریبی دو کیلومتری، از همان جاده مالرو به آبادی می‌رسیم که در ته دره واقع در پشت تپه کعبه کوچک قرار گرفته است (نک: تصویر ۳).

در جانب جنوبی روستا نیز کوه «جبار» واقع است. به تازگی از طرف پل «هنجن» و روستای «یارند» برای وش جاده‌ای خاکی نیز کشیده‌اند که رفتن از آن مسیر برای ماشین‌های معمولی مشکل است، گویا از طریق راهی واقع در روستای «جَهَق» که در پایین دست زیارتگاه «شهبوران» واقع است هم می‌توان با ماشین‌های شاسی‌بلند به این مسیر رسید.

آیین نخل‌برداری
زیارتگاه‌های کوه
سفیدوش بر پایه...



تصویر ۲: مسیر مالرو به طرف زیارتگاه‌های کوه سفید و روستای وش



تصویر ۳: نمایی از روستای وش

بافت روستا سنتی و قدیمی است؛ مانند دیگر آبادی‌های کوهستانی این منطقه از جمله «ایبانه». برخی از عناصر بافت هم تاریخی است و به دوران قاجاری برمی‌گردد، اما مرمت و ساخت‌وسازهای جدید نیز کم‌وبیش در این آبادی به چشم می‌خورد (نک: تصویر ۴). برق‌رسانی به این روستا در سال ۱۳۹۱ صورت گرفته است.

جمعیت ثابت روستای وش ۱۲ نفر، شامل ۴ خانوار دونفری سال‌خورده و یک خانواده جوان‌تر ۴ نفری که شامل والدین و دو کودک است. جمعیت روستا در فصل گرما (بیلاق) به

کاشان‌شناسی
شماره ۱۳ (پیاپی ۲۱)
بایز و زمستان ۱۳۹۷

۵۰ نفر هم می‌رسد. با آغاز موسم سرما اهالی بارهای خود را بر الاغی نهاده و از طریق گذار تتماچ ییلاق را تمام و قشلاق می‌کردند (نک: تصویر ۵).



تصویر ۴: بافت روستای وش



تصویر ۵: ییلاق اهالی به طرف کاشان در میانه فصل پاییز

در ایام محرم و صفر و همان‌طور ماه مبارک رمضان و شب‌های قدر، جمعیت روستا فزونی می‌یابد. جالب این است که در این آبادی مسجد جامع هم وجود دارد و بنا به گفته اهالی، تا چند سال پیش، نماز جمعه هم اینجا خوانده می‌شده است. به جز آن، روستا حسینیه هم دارد

آیین نخل‌برداری
زیارتگاه‌های کوه
سفیدوش بر پایه...

که به تازگی مرمت شده و در آنجا «نخل» و علم‌های دیگر را گذاشته‌اند و عکس سه تن از شهدای جنگ ایران و عراق که اصالت و شی دارند (نک: تصویر ۶). همچنین مسجد کوچکی در بالای صخره آب‌چکان واقع در جنوب غرب آبادی قرار دارد.



تصویر ۶: حسینیه روستای وش

مسئولان امور سال‌ها قبل ده‌ها خانه در روستای حسن‌آباد نزدیک «هنجن» برای کوچ اهالی بدان نقطه ساخته بودند و نیمه‌کاره قصد واگذاری داشته‌اند، اما اهالی ساکن در وش عموماً با رفتن به آنجا مخالف بودند. از این‌رو فرزندان آن‌ها به نیابت از آن‌ها با پرداخت مبالغ مورد درخواست و تکمیل آن واحدها بدان نقطه کوچ کرده‌اند. گویا قصد مسئولان آن بوده که به‌طور کلی این آبادی خالی از سکنه شود. به این روستا «طاهرآباد» هم می‌گویند؛ اما ساکنان وش نسبت به نام این آبادی ثقلی تعصب خاصی دارند و از استعمال نام طاهرآباد برای آن ناخرسندند. مردم وش آبادی خود را نظر کرده می‌دانند؛ چنان‌که به باور آن‌ها، یک بار که زلزله آمده، از تمام بخش‌های کوه‌های اطراف سنگ به پایین ریخته، اما حتی یک سنگ هم از کوه بالادست که آبادی در دامنه آن قرار دارد، به طرف روستا نیامده که اگر می‌آمد روستا ویران شده بود. اهالی این نظرکردگی روستا را مدیون دو زیارتگاهی می‌دانند که بالادست آبادی قرار دارد؛ یعنی «کعبه کوچک» کوه سفید و «زیارتگاه اولیاءالله».

۳. محور آیینی زیارتگاه‌های اولیاءالله و کعبه کوچک

آیین نخل‌برداری پس از حرکت نخل از حسینیه روستا در محور آیینی کوه سفید شامل سه عنصر زیارتگاه کعبه کوچک و زیارتگاه اولیاءالله انجام می‌شود.

زیارتگاه کعبه کوچک در رأس کوه سفید و اولیاءالله در یک کیلومتری شمال آن در ارتفاعی پایین تر قرار دارد. از جمله ویژگی های این زیارتگاهها فقدان نام شخص یا امامزاده خاصی بر این زیارتگاههاست. اولی که کعبه کوچک نام دارد و دیگری هم با نام کلی اولیاءالله شناخته می شود. همچنان که در هیچ یک از این دو زیارتگاه قبر یا ضریحی وجود ندارد جز آنکه بر دیوار هر دو زیارتگاه پنجره ای مشبک به عنوان ضریح نصب کرده اند. گرچه به تازگی، نام های زیادی برای این زیارتگاهها ردیف کرده اند تا به آن نوعی اصالت آرامگاهی بدهند اما توضیح خواهیم داد که قداست این زیارتگاهها بر عنصری دیگر قرار گرفته است.

۱-۳. زیارتگاه اولیاءالله

زیارتگاه کوچکی شامل صحن، ایوان، فضای اصلی گنبدخانه و دو سالن جانبی آن دارای گنبد مخروطی شکل فیروزه ای و دو گلدسته با تزیینات کاشی های فیروزه ای در بخش های اصلی (نک: تصویر ۷). گلدسته ها و نمای صحن کاملاً جدید است اما بنای زیارتگاه قدیمی است و گفته می شود در دوره پهلوی بازسازی شده است به جای بنایی ساده و قدیمی فاقد تزیینات؛ گرچه گنبد فیروزه ای آن کهنه تر هم به نظر می رسد. گنبدی کاشی کاری با کاشی های زمینه فیروزه ای طرح های مُعقلی با رنگ های سفید و سیاه و کتیبه «الله» در بالا و عبارت «یا علی» در پایین آن. کاشی کاری گنبد بنا بر کتیبه ای که بر آن نصب شده تاریخ سال ۱۳۳۳ دارد که به نظر می رسد مربوط به سال خورشیدی باشد تا قمری (نک: تصویر ۸. گنبد زیارتگاه اولیاءالله).



تصویر ۷: نمای دور زیارتگاه اولیاءالله

آیین نخل برداری
زیارتگاه های کوه
سفیدش بر پایه...





تصویر ۸: گنبد زیارتگاه اولیاءالله

دیواره‌های داخل بنا و ساختمان زیرگنبد و ورودی در سال ۱۳۸۷ خورشیدی کاشی‌کاری شده است که دارای تزیینات نقوش و کتیبه بر زمینه آبی پررنگ است. از اشیاء قدیمی زیارتگاه منبر چوبی کوچکی است که اکنون بلااستفاده در گوشه‌ای از صحن افتاده است. به‌رغم اینکه انتظار می‌رود در این‌گونه فرم‌های زیارتگاهی قبر در وسط بنا و زیر گنبد باشد، زیارتگاه فاقد هرگونه قبر یا مزار است و محور قداست در انتهای فضای گنبد خانه واقع است که عبارت است از پنجره‌ای مشبک به عرض تقریبی یک و ارتفاع دو متر که بر دیواره زیارتگاه قرار دارد و در واقع بر این ضریح کوچک چسبیده بر دامنه کوه است (نک: تصویر

کاشان‌شناسی
شماره ۱۳ (پیاپی ۲۱)
بایز و زمستان ۱۳۹۷

۹). به نظر می‌رسد در اینجا شکاف یا فرورفتگی وجود داشته مانند بسیاری دیگر از این گونه زیاراتگاه‌هایی از این دست که احتمالاً در آنجا چشمه‌ای کوچک وجود داشته که محور قدسی این مکان است. چنان‌که مسن‌ترها نقل می‌کنند در این زیارتگاه چشمه‌ای وجود داشته و آب آن پس از عبور از صحن از زیر پلی که هنوز در آن نزدیکی هویداست، عبور می‌کرده، اما اکنون خشک شده است. اهالی بر پایه اسطوره‌ای که تعریف می‌کنند اعتقاد دارند که این ضریح محل غیبت ۳۵ تا ۷۲ نفر از فرزندان ائمه و اولیاء خدا است.



تصویر ۹: ضریح اولیاءالله

آیین نخل‌برداری
زیارتگاه‌های کوه
سفیدوش بر پایه...



۲-۳. زیارتگاه کعبه کوچک

این زیارتگاه در رأس کوه سفید قرار دارد شامل فضایی در پایین که امروزه انباری است و سقف آن صحن کوچک زیارتگاه است. همچنین ایوان و گنبدخانه کوچک که در قسمت داخلی مزین به کاشی‌های آبی‌رنگ کتیبه‌دار است که در دهه‌های اخیر ساخته شده و بنای گنبد مخروطی فیروزه‌ای که کمی قدیمی‌تر است و ممکن است هم‌زمان با گنبد زیارتگاه اولیاءالله، یعنی حدود سال ۱۳۳۳ خورشیدی ساخته شده باشد (نک: تصویر ۱۰). دو گلدسته با تزیینات کاشی فیروزه‌ای در جانبین این بنای کوچک، جدیدترند. پنجره مشبک یا ضریح زیارتگاه نیز به ارتفاع تقریبی دو و عرض یک و نیم متر چسبیده به صخره کوه است و یک سطح دارد. پنجره مشبک چوبی در سر زیارت نگهداری می‌شود که احتمالاً پنجره قدیمی همین کعبه کوچک است. وقف‌نامه‌ای در دیواره بنا نصب است که نشان می‌دهد در سال ۱۳۴۶ شمسی این بنا تعمیر شده و گویا بخش زیادی از بنای فعلی نیز کم‌وبیش مربوط به این دوران است. با این اوصاف در دهه اخیر نیز بخش‌های داخلی زیارتگاه کاشی‌کاری شده است همانند زیارتگاه اولیاءالله. در صخره‌ای که محل قداست است و ضریح بر آن چسبیده آثار رسوب آب نیز مشاهده می‌شود دلیلی بر وجود چشمه‌ای مقدس در این مکان که به خشکی گراییده و تنها خاطره‌ای از قداست آن برجای مانده است (نک: تصویر ۱۱).



تصویر ۱۰: نمای زیارتگاه کعبه کوچک



تصویر ۱۱: نمای داخلی زیارتگاه کعبه کوچک

مردم آبادی درباره وجه تسمیه کعبه کوچک باور دارند که این زیارتگاه شباهتی زیاد با کعبه
مسلمانان در مکه دارد که در تقابل با این زیارتگاه آن را کعبه بزرگ می دانند و در این باره
آین نخل برداری
زیارتگاه های کوه
سفیدوش بر پایه...

داستانی نقل می‌کنند که بر اساس آن ذبح گوسفند در کعبه کوچک برابر با ثواب ذبح گوسفند در کعبه مسجدالحرام است. درباره چرایی چنین اعتقادی خبر نداریم اما نشان می‌دهد که این بنا برای آن‌ها اهمیت زیادی دارد و شاید نشان از دیرینگی این بنا باشد و به‌رغم انتخاب اسلام به‌عنوان دین جدید و کعبه به‌عنوان قبله‌ای جدید نتوانسته‌اند این مکان قدسی را که یادگاری از روزگاران باستانی آنان در این کوهستان است فراموش کنند.

سر زیارت

با وجود این به نظر می‌رسد تعدادی از بناهای سر زیارت (زائرسرا) که در نقطه‌ای پایین‌تر از زیارتگاه است مربوط به دوران قاجاری و پهلوی باشد، هرچند ساخت‌وسازهای جدید در آن زیاد است و اتاق‌هایی برای اقامت شبانه زائران در ایام مختلف سال در نظر گرفته شده است و امکانات آب و برق و پخت‌وپز نیز کم‌وبیش فراهم است (نک: تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲: نمایی از سر زیارت

در قدیم در میانه کوچه یا معبر اصلی سر زیارت، چشمه آبی جریان داشته که در سال‌های اخیر کمی آب دارد و گاهی نیز خشک است (نک: تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳: آب کم چشمه سر زیارت

در سر زیارت مسجدی هم هست که خیلی قدیمی نیست اما ضریحی مشبک یک سطحی چوبی در آن واقع است که به نظر از دوران قاجاری باشد و احتمالاً در همین کعبه کوچک نصب بوده است.

آیین نخل‌برداری
زیارتگاه‌های کوه
سفیدوش بر پایه...

۴. اسطوره غیبت دختر

مردم وش آبادی خود را نظر کرده می‌دانند و معتقدند یک بار که زلزله آمده از تمام بخش‌های کوه‌های اطراف سنگ به پایین ریخته اما حتی یک سنگ هم از کوه بالادست که آبادی در دامنه آن قرار دارد به طرف روستا نیامده؛ که اگر می‌آمد روستا ویران شده بود. آن‌ها این نظرکردگی روستا را مدیون دو زیارتگاهی هستند که بالادست آبادی قرار دارد؛ یعنی کعبه کوچک کوه سفید و زیارتگاه اولیاءالله.

اما این زیارتگاه‌ها منسوب به چه کسانی است و سرگذشت آنان چه بوده است؟ مردم آبادی در بیان ماجرای آمدن صاحبان این دو زیارتگاه به باوری شفاهی اشاره می‌کنند که سینه‌به‌سینه به آنان منتقل شده و به لحاظ درون‌مایه، شباهت اساسی با اسطوره غیبت دختر دارد (نک: مشهدی نوش آبادی، ۱۳۹۵: ۲۴۹-۲۸۲). پیش از نقل این روایت عامیانه از آمدن امامزادگان به این محل، اسطوره غیبت دختر را مرور می‌کنیم.

یکی از مباحث مهم در بررسی باورها، آیین‌ها و زیارتگاه‌های ایران، بررسی اسطوره غیبت دختر است؛ زیرا بر اساس باورهای موجود، قداست مکان‌های زیارتگاهی و حتی برخی از آیین‌هایی که امروز در ایران انجام می‌شود بر محور این اسطوره است. در جای‌جای ایران به موقعیت‌هایی برمی‌خوریم که عمدتاً موقعیت‌های مقدسی هستند که علت قداست یا نشانه و عنصر قداست در آن مربوط به غایب شدن دختر است. حوزه طرح این اسطوره هم در بین زرتشتیان و هم در میان مسلمانان گسترده است. در واقع باورها و آیین‌های مربوط به تمام پیران‌گاه‌های زرتشتی حول محور اسطوره غیبت دختر دور می‌زند.

درون‌مایه اصلی عموم داستان‌های مربوط به این مکان‌ها این است که دختر یا دخترانی از اولیا و نجیب‌زادگان در حال فرار از دست اشرار که معمولاً اعراب اموی یا عباسی و سایر تجاوزگران هستند، در کوه یا چاهی غایب و یا تبدیل به سنگ شده‌اند (برای نمونه نک: باستانی پاریزی، ۱۳۷۳: ۳۲۱؛ افشار، ۱۳۷۴: ج ۱، ۶۴، ۱۶۶ و ۱۶۷؛ کلانتر ضرابی، ۱۳۴۱: ۵۴ و ۵۵؛ کتابچه احوال...، ۱۳۶۴: ۳۱۵ و ۳۱۶؛ بویس، ۱۳۴۶: ۱۳۶ و ۱۳۷؛ Boyce, 1989: 198؛ Boyce, 1988: 717-718) مکان‌هایی که در این باره به‌عنوان موقعیت مقدس در نظر گرفته می‌شود شامل دو موقعیت مرتبط با آب است: یکی موقعیت طبیعی چشمه و دیگری چاه. بر اساس این باور اسطوره‌ای، دختر یا دخترانی در کوه و چاه غایب شده‌اند و نشانه این غیبت به شکل چشمه‌ای کم‌آب و یا چاهی با کمی آب که رو به خشکی است و یا خشک شده، نمایان

است. در برخی از مناطق نشانه‌های دیگری مانند سنگ و یا صخره نیز وجود دارد.

روایت این اسطوره دربارهٔ بسیاری از مکان‌های مقدس در فرهنگ ایرانی شایع است؛ برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: پیر چک‌چکو (حیات بانو)، پیر هریشت، پیر نارستانه، پیر نارکی، پیر پارس بانو و ستی پیر که زیارتگاه‌های زرتشتی در یزد است. زیارتگاه‌های قدمگاهی اسلامی عبارت‌اند از: بی‌بی شهربانو در شهری، بی‌بی حکیمه در بهبهان، بی‌بی دوست در زابل، کوه چهل دختر (قیرخ قیز) در درگز، بی‌بی زبیده خاتون در ایبانه نطنز، قدمگاه دختران بکر در روستای قه کاشان، قدمگاه بی‌بی حلیمه خاتون در کاشان، برج چهل دختر دامغان، مناره چهل دختران اصفهان، مزار چهل دختر سرخس، صخره چهل دختر کمر در طالقان، سنگ چهل دختر در سراب، دو خواهرون در جزیرهٔ خارک، قدمگاه مرضیه‌خاتون در قاهره دلیجان، موقعیت سنجرو پیر (پیر سنجرو) در شهر کیوی استان اردبیل (نک: محمد مشهدی نوش آبادی، ۱۳۹۵: ۲۴۹-۲۸۲).

اسطورهٔ غیبت دختر بر پنج رکن اساسی استوار است؛ به‌جز آن نشانه‌های مشترک دیگری نیز در این اسطوره وجود دارد. اما پنج عنصر محوری این اسطوره عبارت‌اند از: ۱. غیبت دختر در محل مورد توجه؛ ۲. مکان غیبت که معمولاً در ارتباط با عناصر مربوط به آب مانند چشمه و یا چاه است؛ ۳. وجود عنصر شر که دختر به‌خاطر خلاصی از دست آنان غایب شده است؛ ۴. رؤیایی که از طریق آن دختر غایب ماجرای خود و قداست محل را گوشزد می‌کند؛ ۵. توجه به قداست محل و برگزاری آیین که معمولاً به‌صورت آیین‌های زیارت است (همان: ۲۵۷).

۱-۴. روایت اهالی از اسطورهٔ غیبت دختر

«در گذشته‌های دور، تعدادی از اولیاء خدا از سمت ایبانه در بخش جنوبی آبادی وارد شده و به جوانانی که در محل چشمه آب‌چکان نشسته‌اند می‌گویند: «اگر دشمنانی که در تعقیب ما هستند سراغ ما را گرفتند، شما از محل فرار ما اظهار بی‌اطلاعی کنید.» جوانان نیز چنین می‌کنند. در طرف دیگر آبادی نیز پیرمردانی نشسته‌اند و اولیا همین درخواست را از آنان دارند اما پیرمردان مسیر فرار آن‌ها را به دشمنان نشان می‌دهند، آن‌ها نیز در سنگی که در کمرکش کوه قرار دارد، زبان می‌کشند. چنان‌که امروز آثار زبان کشیدن زبان بر این سنگ پیداست. و در خطاب به آبادی جوانان آبادی را رحمت و پیران را لعنت می‌کنند: «بر جوانان شما رحمت و بر پیرانتان لعنت!»

آیین نخل‌برداری
زیارتگاه‌های کوه
سفیدوش بر پایه...



سپس به بالای کوه می‌روند و در زیر بوته گوتی مخفی می‌شوند، اشرار تعقیب‌کننده محل گون را شناسایی می‌کنند اما چون هوا رو به تاریکی می‌رود، دستگیری اولیا را به صبح موکول کرده و از آنجا می‌روند؛ اما فردا که برای پیدا کردن آنان بازمی‌گردند، به صورت معجزه‌آسایی تمام کوه پر از بوته گون می‌شود و دشمنان نمی‌توانند گونی را که اولیاء زیر آن مخفی شده‌اند پیدا کنند و ناچار با ناامیدی از آنجا می‌روند و سرانجام اولیاء که تعدادشان ۳۵ یا ۷۲ نفر است، در این دو محل زیارتگاهی غایب می‌شوند.

می‌گویند دو برادر از اجداد مردم وش به نام «تقی» و «صالح» که ساکن نطنز بودند، خواب می‌بینند که باید در نقطه‌ای که زیارتگاه کنونی قرار دارد زیارتگاهی بسازند اما توجه نمی‌کنند تا اینکه دوباره خواب می‌بینند و جای دقیق برپایی زیارتگاه را نشان می‌دهند جایی که چشمه‌ای قرار دارد در محل سر زیارت (که اکنون خشک شده اما آثار آن باقی است)، دوباره اولیا به خواب می‌آیند و آن‌ها را به ساختن دو زیارتگاه رهنمون می‌کنند؛ از این رو ابتدا کعبه کوچک و سپس زیارتگاه اولیاء الله می‌سازند و در محل کنونی روستای وش سکونت اختیار کرده و زادوولد کرده و روستای وش شکل می‌گیرد» (مصاحبه با محمد علیزاده ۸۰ ساله و عصمت خادمی ۷۰ ساله) (نک: تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴: مصاحبه شونندگان

عناصر موجود در داستان دربردارنده ویژگی‌های اساسی اسطوره غیبت است؛ سنگی که اهالی معتقدند اثر غایبان بر آن است. سه موقعیت مقدس مورد اشاره یعنی زیارتگاه‌های کوه سفید و اولیاءالله و سر زیارت نیز با چشمه و آب مربوطاند؛ گرچه اکنون به جز سر زیارت بقیه چشمه‌ها به خشکی گراییده است، اما آثار و نشانه‌ها و روایات شفاهی بر وجود چشمه آب در دو نقطه دیگر دلالت دارد.^۱ همچنین اشرار تعقیب‌کننده، صخره محل غیبت، کشف محل قداست از طریق رؤیا و آیین‌های زیارت و تقدیس محل قداست در کوه سفید وجود دارد. پس می‌توان باورها، عناصر و آیین‌های مربوط به دو زیارتگاه کوه سفید و ش را به اسطوره غیبت دختر و سه مکان مقدس را هم با توجه به باور به حضور و غیبت اولیا به‌عنوان سه موقعیت قدمگاهی مربوط کرد.

۵. آیین نخل‌گردانی

نخل‌گردانی که از مشهورترین انواع تابوت‌گردانی در ایران است، عبارت است از بر دوش گرفتن و گرداندن تابوت‌واره نخل توسط دسته عزادار در میدان یا کوچه و خیابان. تابوت‌گردانی سابقه‌ای چندهزارساله دارد. در آیین‌های مرگ و رستخیز ایزدان نباتی مانند آدونیس، آتیس و تموزی در آسیای غربی از جمله فنیقیه، سوریه، آناتولی ترکیه، جزایر یونان و اسکندریه تابوت‌واره‌هایی از تنه درخت که با گل‌ها و گیاهان گوناگون آراسته شده بود می‌ساختند و تمثال‌های ایزدان را در آن قرار می‌دادند و در روز بعد همراه با مراسم سوگواری آن را به آب می‌انداختند (فریزر، ۱۳۸۶: ۳۸۵-۳۸۸ و ۳۹۷-۳۹۹). فریزر علت برگزاری این گونه آیین‌ها را تسلی به سبب نابودی غلات در هنگام درو یا برای حاصلخیزی و ازدیاد محصول می‌داند (همان: ۳۹۱).

در آسیای میانه، حفاری‌های خرابه‌های شهر سغدی «پنجی کند» واقع در شرق سمرقند، مجموعه‌ای از نقوش روی دیوار را که محتوای اصلی آن‌ها مربوط به سوگواری است، آشکار کرده است. این نقوش تابوت در حال تشییع شاهزاده جوانی را نشان می‌دهند که آدمیان و خدایان و از جمله میترا و آناهیتا (نام محلی آنانا) از مرگش سوگواری می‌کنند. شاهزاده جوان را عموم محققان سیاوش تشخیص داده‌اند (بلنیتسکی، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۶؛ یارشاطر، ۱۳۶۷: ۱۳۲؛ بلوک‌باشی، ۱۳۸۰: ۱۴). صحنه‌های مشابهی نیز بر صندوق بزرگی در «توک کلا» در منتهاالیه شمال دلتای آمودریا و نیز گلدانی یافت شده در شهر مرو دیده می‌شود (یارشاطر، ۱۳۶۷: ۱۳۲؛ بلوک‌باشی، ۱۳۸۰: ۱۴).

آیین نخل‌برداری
زیارتگاه‌های کوه
سفیدش بر پایه...



تابوت گردانی گویا برای اولین بار توسط جوانمردان و عیاران وارد آیین‌های شیعه شده است. ابن جوزی در جریان گزارش درگیری‌های بین شیعه و سنی به ساخت و حمل وسیله‌ای به نام «منجیق» اشاره دارد که توصیفات و کاربرد آن کاملاً با تابوت‌واره دلالت دارد (ابن جوزی، ۱۹۹۲: ج ۱۶، ۱۵، ۲۴۱؛ مقایسه شود با فقیهی، ۱۳۶۶: ۴۷۱-۴۷۲؛ مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۸۱-۲۸۴).

در عزاداری‌های دوره صفوی (دلواله، ۱۳۶۳: ۸۶ و ۱۲۵؛ تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۱۳ و ۴۱۴؛ اولثاریوس، ۱۳۷۰: ۷۴) زندیه و قاجاری (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰: ۱۴) نیز نخل به‌عنوان یکی از عناصر عزاداری در بسیاری از شهرهای ایران مورد توجه بود، امروزه نیز نخل‌برداری از آیین‌های مهم عزاداری در نقاط مختلف ایران است و در استان‌های اصفهان، تهران، قم، یزد، خراسان، اراک، خوزستان، گیلان و مازندران و شهرستان‌های کاشان، نائین، اردستان، نطنز، خمین و غیر آن انجام می‌شود (همان: ۲۸-۴۰ و ۴۹-۸۶؛ معتمدی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۶۰). در کاشان نیز نخل عنصر مورد توجه عزاداری است و هم در شهر و هم اطراف آن نخل‌برداری می‌شود. در خود شهر، نخل سرفره شهرت بیشتر یافته است و در اطراف نیز عمده آبادی‌های اطراف نخل‌برداری می‌کنند که نخل‌برداری ایبانه بیش از همه شهرت یافته است.

۱-۵. نخل‌گردانی وش

یکی از مهم‌ترین وجوه آیینی زیارتگاه کوه سفید وش آیین نخل‌برداری است، بر طبق سنتی دیرینه در صبح روز ۲۸ صفر مصادف با رحلت پیامبر(ص) و شهادت امام حسن(ع) اهالی وش نخل آبادی را تزیین کرده‌اند. نخل حدود ۱/۵ متر ارتفاع، ۱۲۰ سانتی‌متر عرض و دو متر طول دارد. تزیینات نخل عبارت است از پارچه‌های مخمل تیره‌رنگ که مخصوص این نخل دوخته شده و روی پارچه‌ها در دو طرف نام الله و چهارده معصوم و ابوالفضل العباس در رنگ‌های سبز و قرمز به شیوه قدیم بر آن گلدوزی شده است که شباهت با پرچم‌های قدیمی دارد. نام ابوالفضل برجسته‌تر از دیگر نام‌های نوشته شده است. همچنین کلاه خودی نیز بر پیشانی نخل قرار داده‌اند. بر بالای نخل هم دو عمامه سبز و سیاه تعبیه کرده‌اند (نک: تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵: نخل روستای وش

در زیر نخل دو تیرک قرار دارد و برای حمل آن چهار نفر کفایت می‌کند. نخل را با نوای سنج و دهل و نوحه همراهی می‌کنند. مردان در پیش و زنان در پس آن هستند. جمعیتی حدود صد نفر ساده و بی‌آلایش.

مراسم حدود ده صبح آغاز می‌شود، نخل را از حسینیه آبادی برداشته و با طی مسیری طولانی و صعب‌العبور که تنها راه پیاده‌رو آبادی است حرکت می‌دهند. در این آیین، ابوزیدآبادی‌ها نقش مهمی دارند و گویا از اعصار قدیم، آیین‌گزاران اصلی بوده‌اند و اکنون نیز تولید برنامه و زیارتگاه‌های پیرامونی را بر عهده دارند. نخل را با فریاد «یا حسین» و در هیاهوی صدای طبل و سنج حرکت می‌دهند. چهار نفر زیر نخل را گرفته و بقیه به دنبال آن سرازیر

آیین نخل‌پردازی
زیارتگاه‌های کوه
سفیدوش بر پایه...

می‌شوند، مردان در جلو و زنان در پس آن‌ها. نقش کودکان نیز در مراسم چشمگیر است و حتی این کودکان و نوجوانان هستند که بر طبل و دهل می‌کوبند. جمعیت نخل را پس از طی این مسیر صعب‌العبور نخل را به زیارتگاه کوه سفید که در رأس تپه‌ای بلند قرار دارد می‌برند، در آنجا توفقی کرده، ذکر مصیبتی خوانده می‌شود و عزادارن آداب زیارت را به جا آورده و سپس نخل را از به سر زیارت آورده و در آنجا توقف می‌کنند (نک: تصویر ۱۶)؛ ذکر مصیبتی خوانده می‌شود و از مردم با قهوه و شیرینی پذیرایی می‌شود (نک: تصویر ۱۷).



تصویر ۱۶: نخل‌برداری

سپس نخل را به طرف زیارتگاه اولیاءالله در فاصله تقریبی یک کیلومتری حرکت می‌دهند، در مسیر حرکت به طرف این زیارتگاه در قبرستان آبادی که محل دفن مردگان روستای وش است، توقف کرده و پس از خواندن فاتحه بر مزار مردگان و پذیرایی با گردو، تنقلات و شیرینی توسط نزدیکان صاحبان قبور حرکت خود را ادامه داده و پس از به جا آوردن آداب زیارت و ذکر مراثنی اهل بیت(ع)، دوباره نخل را به طرف سر زیارت حرکت می‌دهند. حدود ظهر است و اینجا آخرین بخش از مراسم انجام می‌شود. در آنجا با ذکر سینه‌زنی و روضه‌خوانی مراسم خاتمه یافته و هنگام نماز ظهر فرا می‌رسد (نک: تصویر ۱۸). پس از اقامه نماز با نهار نذری از مردم پذیرایی شده و آیین پایان می‌یابد. جوانان وش در طنین طبل که صدای آن در کوهستان می‌پیچد، نخل را به حسینیه آبادی برده و در سکوی مخصوص آن قرار می‌دهند.



تصویر ۱۷: پذیرایی از مردم در سر زیارت



تصویر ۱۸: پایان مراسم در سر زیارت

۶. ترکیب قومیتی مراسم

تا آنجا که برگزارکنندگان به یاد دارند این مراسم را اهالی روستای وش به کمک اهالی ابوزیدآباد و روستاهای اقماری آن همچون کاغذی، محمدآباد، حسین آباد و... به انجام می‌رسانند. شاید در وهله اول به نظر بیاید که کمی جمعیت وش موجب دعوت از ابوزیدآبادی‌ها برای شرکت در مراسم باشد، اما به نظر می‌رسد مسئله عمیق‌تری باعث حضور ابوزیدآبادی‌ها در مراسم است. با توجه به اینکه هنوز هم عده‌ای از مردم بادرود برای بیلاق به

آیین نخل‌پردازی
زیارتگاه‌های کوه
سفیدوش بر پایه...

دامنه کرکس و کوهستان‌های اطراف وش می‌آیند، به نظر می‌رسد حضور در مراسم و تولیت و مرمت دو زیارتگاه مورد نظر، یادآور حضور مردم ابوزیدآباد در قرن‌های پیشین است که کوهستان کرکس محل بیلاقی آنان در زمان کوچ‌نشینی بوده است (نک: تصویر ۱۹).



تصویر ۱۹: عکس یادگاری ابوزیدآبادی‌ها و وش‌ها با نخل

گفته می‌شود هنوز هم برخی از دشت‌نشین‌های شهر بادرود که در همسایگی ابوزیدآباد است، هر ساله بیلاقات این منطقه از جمله بیلاقات بالادست جهق را برای زندگی بیلاقی و چرای گوسفند اجاره می‌کنند.^۲

حضور ابوزیدآبادی‌ها در کوه سفید به این مراسم ختم نمی‌شود بلکه در طول سال نیز زائران زیادی از ابوزیدآباد و روستاهای اطراف آن برای زیارت و اطراف به کوه سفید می‌آیند. ساخت اتاق‌های متعدد جدید در کنار اتاق‌های قدیمی‌تر نشان می‌دهد که حضور سالانه آن‌ها در کوه سفید رو به ازدیاد است، به‌رغم اینکه هنوز مسیر آمدن به این مکان دشوار و به‌صورت پیاده‌روی و کوه‌پیمایی است.

به هر روی، ابوزیدآبادی‌ها هم در آباد کردن زیارتگاه و هم در ساخت و تجهیز سر زیارت (زائرسرا) نقش اساسی دارند و گوی سبقت را از اهالی آبادی کم‌جمعیت وش ربوده‌اند، این امر از کتیبه‌های برجای‌مانده واقفان و سازندگان بر جای‌جای عمارت حکایت دارد. با این اوصاف وش‌ها نیز در ساخت و مرمت زیارتگاه‌های کوه سفید کوشیده‌اند در سال‌های اخیر

نیز که مقداری راه بهتر و وسایل ارتباطی بیشتر شده است، حضور ابوزیدآبادی‌ها چشمگیر شده و تولید امامزادگان و زائرسرا را نیز در دست دارند و فعالیت‌های عمرانی آنان ادامه دارد، برخی از اهالی وش به آن‌ها به چشم رقیب نگاه می‌کنند، اما به هر حال خدمات آن‌ها به زیارتگاه و رونق آیین‌های زیارت و نخل‌برداری برای همه قابل درک است.

۷. مشابهت نخل‌برداری وش با آیین قربانی گاو در روستای اسفنجان آذربایجان شرقی

باور و آیین زیارتگاه کوه سفید با آیینی دیگر که در روستای اسفنجان شهرستان اسکو در آذربایجان انجام می‌گیرد شباهت دارد. به جز درون‌مایه اصلی که مبتنی بر اسطوره غیبت دختر است و قابل مقایسه با دیگر روایت‌های مشابه در پهنه فرهنگی ایران، در اجزای داستان نیز ویژگی‌های مشابهی به چشم می‌خورد که در دیگر روایت‌های اسطوره مشاهده نشده است.

۱-۷. سی‌وششمین روز بهار اسفنجان

مردم اسفنجان، روستایی از توابع شهرستان اسکو در ۳۰ کیلومتری تبریز، هرساله در اولین پنجشنبه‌ای که ۳۶ روز از نوروز گذشته باشد، آیینی ایرانی برگزار می‌کنند که سابقه‌ای طولانی دارد و به طلب باران انجام می‌شود. (تصویر ۲۰).



تصویر ۲۰: آیین قربانی گاو در اسفنجان

ماجرا از این قرار است که مردم این آبادی گاو فربه‌ی برای قربانی خریداری و صبح پنجشنبه اول اردیبهشت (به شرطی که حداقل ۳۶ روز از نوروز گذشته باشد) در آبادی گردانده و نذورات مردم را از درب خانه‌ها دریافت می‌کنند. گاو را از آب قنات آبادی سیراب ساخته و آن را به زیارتگاه پیر سنگ که در رأس تپه‌ای در کنار آبادی قرار دارد برده و سه دور گاو را بر گرد پیر سنگی می‌گردانند. آنگاه از تپه سرازیر شده و به سمت تپه دیگری که با مسافتی زیاد در جانب

آیین نخل‌برداری
زیارتگاه‌های کوه
سفیدوش بر پایه...



دیگر روستا هدایت می‌کنند و در رأس تپه با فاصله کوتاه از گودال سنگ‌چین شده‌ای که باور اهالی محل غیبت دختری است ذبح می‌کنند. دختری که باور دارند از دست برادران شرور در آنجا غایب شده است. گاو ذبح و خون آن از طریق جویی به نقطه سنگ‌چین جاری می‌شود تا در آن فرو رود. برخی از مردم از خون قربانی برای باروری استفاده کرده و از گوشت آن تمام اهالی کوفته درست می‌کنند. آنگاه منتظر باران می‌مانند که به‌زودی خواهد بارید (در این باره نک: فلسفی ۱۳۸۵: ۱۶-۲۱؛ میری خسروشاهی و فریدآقایی، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۴۴).

۲-۷. عناصر مشابه

مرثیه‌خوانی و مداحی یکی از عناصر آیین نخل‌برداری کوه سفید و اسفنجان است و همان گونه که در حمل نخل ذکر گفته و در سر زیارت و دیگر مکان‌های مقدس مربوط مرثیه می‌خوانند، در اسفنجان نیز در همراهی گاو نیز مرثیه می‌خوانند و به‌ویژه در جاهایی از آبادی جمعیت ایستاده، مداح مرثیه‌خوانی می‌کنند و دوباره راه می‌افتند. دست‌آخر نیز به قبرستان آبادی رفته مرثیه‌سرایی کرده و فاتحه می‌خوانند (میری خسروشاهی و فریدآقایی، ۱۳۹۳: ۱۳۵). در اسفنجان وقتی که اشرار برای جست‌وجوی دختر می‌آیند حفره‌ای را که دختر در آن فرو رفته است، به‌دلیل فرارسیدن شب سنگ‌چین می‌کنند تا فردا که هوا روشن شد وی را پیدا کنند، اما صبح که بازمی‌گردند تمام نقاط تپه سنگ‌چین شده و نمی‌دانند کجا را بگردند؛ از این‌رو دختر از دست اشرار خلاص شده و در آن محل غایب می‌شود (فلسفی، ۱۳۸۵: ۲۱)؛ شبیه به داستان اولیاء کوه سفید که اولیا از دست اشرار زیر بوته گون مخفی می‌شوند و صبحگاهان که اشرار برای پیدا کردن آنان به کوه می‌آیند تمام دشت پر از گون شده است و لذا به آنان دست نمی‌یابند. عنصر بعدی، شباهت جغرافیای و ساختاری این دو آیین است. همان گونه که در وش، نخل را از آبادی حرکت داده و به دو زیارتگاه در دو سوی کوه مشرف بر آبادی می‌برند، در اسفنجان نیز اهالی گاو قربانی را به زیارتگاه پیر سنگ که در رأس تپه‌ای در کنار آبادی قرار دارد برده و سه دور گاو را بر گرد پیر سنگی می‌گردانند. آنگاه از تپه سرازیر شده و به بالای تپه دیگری که با مسافتی زیاد در جانب دیگر روستا هدایت می‌کنند و با فاصله از نقطه سنگ‌چینی که باور دارند محل غیبت دختری است ذبح می‌کند.

از این مقایسه معلوم می‌شود که اگر شاخ و برگ این دو مراسم را در نظر نگیریم، بن و اساس هر دو یکی است: اسطوره غیبت، دو نقطه مقدس روی کوه، چرخاندن نماد برکت‌بخشی در آبادی و تشابه در جزئیات اسطوره غیبت. البته آیین اسفنجان ویژگی‌های

دیگری نیز دارد که پرداختن به آن فرصت دیگری می‌طلبد، اما به‌طور خلاصه می‌توان گفت که رنگ ایرانی مراسم ششمین روز بهار در اسفنجان بسیار بارزتر است و از جمله اینکه این مراسم به تاریخ شمسی برگزار می‌شود درحالی‌که نخل‌برداری و ش به مناسبت و تاریخ قمری منتقل شده است، انگیزه مراسم باران‌خواهی است، هنوز نماد اسطوره‌ای گاو در مرکز توجه است و مکان‌های مقدس صورت طبیعی دارد.

در واقع عنصر اصلی در این دو آیین گرداندن عنصر برکت‌بخش است، این عنصر برکت‌بخش می‌تواند گاو یا نخل یا علم و حتی قالی باشد؛ چنان‌که در آیین قالی‌شویان مشهد اردهال است.

۸. جمع‌بندی

نخل‌برداری ۲۸ صفر زیارت کوه سفید که در بستر سنتی اسلامی و شیعی انجام می‌شود و مکان‌های مقدس برگزاری یعنی دو زیارتگاه کعبه کوچک و اولیاءالله و و سر زیارت باورهای وابسته به آن بر اساس اسطوره غیبت دختر شکل گرفته است که ریشه در باورها و آیین‌های ایرانی دارد و قابل تطبیق با نمونه‌های دیگری در ایران مانند آیین قربانی گاو در سی‌وششمین روز بهار اسفنجان از توابع تبریز است. نکته مهم اینکه نخل‌برداری بر اساس اسطوره غیبت دختر، موردی استثنایی است و تاکنون نمونه‌ای مانند آن شناسایی نشده است.

اهمیت دیگر نخل‌برداری کوه سفید از آن جهت نیز هست که فقط سالی یک بار، خارج از بافت روستایی یا شهری انجام می‌شود. در واقع این مکان و عنصر مقدس است که آیین را به طرف خود جلب کرده است.

این موقعیت زیارتگاهی و رفتار آیینی پناهگاه ایمانی و عاطفی مردم روستای کوچک و ش و وابستگان آنان در دیگر نقاط منطقه است. همچنین همکاری و مساعدت مردم ابوزیدآباد ساکن در کویر در این آیین کوهستانی که با فاصله زیادی از محل زندگی آنان برگزار می‌شود نشان‌دهنده سابقه کهن آنان در زندگی و تردد به این مکان‌هاست. یادآور زندگی قشلاقی و بیلاقی که امروز تبدیل به ایستایشینی در دشت شده است ولی این امر نتوانسته اسطوره‌ها و باورهای کهن درباره این مکان مقدس را از ذهن و زبان ابوزیدآباد دور کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مردم برای چشمه آب‌چکان داخل آبادی هم احترام قائل‌اند و آن را مقدس می‌شمارند و مسجد کوچکی هم بر فراز صخره آب‌چکان ساخته‌اند که نشانی بر قداست محل نزد اهالی است.

آیین نخل‌برداری
زیارتگاه‌های کوه
سفیدش بر پایه...



۲. به نقل از حسین قربان‌پور آرائی در گفت‌وگو با یکی از اهالی منطقه بادرود و ابوزیدآباد که هنوز هم در کوهستان کرکس، بیلاق می‌گیرند.

منابع

۱. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۹۹۲، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. افشار، ایرج، ۱۳۷۴، یادگارهای یزد، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳. اولتاریوس، آدام، ۱۳۶۳، *سفرنامه*، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار.
۴. باستانی پاریزی، محمدابراهیم، ۱۳۷۳، *خاتون هفت‌قلعه*، تهران: روزبهان.
۵. بلنیتسکی، الکساندر، ۱۳۹۰، *هنر تاریخی پنجکند*، ترجمه عباس مخبر، تهران: فرهنگستان هنر.
۶. بلوک‌باشی، علی، ۱۳۸۰، *نخل‌گردانی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۷. بویس، مری، ۱۳۴۶، «بی‌بی شهربانو و پارس بانو»، *بررسی‌های تاریخی*، سال دوم، شماره ۳ و ۴، ۱۲۵-۱۴۶.
۸. تاورنیه، ژان باتیست، ۱۳۳۶، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران: سنایی.
۹. دلاواله، پترو، ۱۳۷۰، *سفرنامه*، ترجمه شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۰. فریزر، جیمز جرج، ۱۳۸۶، *شاخه زرین*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگاه.
۱۱. فقیهی، علی‌اصغر، ۱۳۶۶، *آل بویه*، تهران: صبا.
۱۲. فلسفی، علی، ۱۳۸۵، «سی‌وششمین روز بهار در روستای اسفنجان»، *دیلم‌ج*، شماره ۲۵-۲۷، ۱۶-۲۱.
۱۳. «کتابچه حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمؤمنین کاشان (۱۲۹۶هـ)»، ۱۳۶۴، *قم‌نامه*، به سعی سید حسین مدرسی طباطبایی، قم: کتابخانه مرعشی.
۱۴. کلانتر ضرابی، عبدالرحیم، ۱۳۴۱، *تاریخ کاشان*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۱۵. مشهدی نوش‌آبادی، محمد، ۱۳۹۵، «اسطوره غیب دختر»، *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ۲۴۹-۲۸۲.
۱۶. _____، ۱۳۹۶، *تصوف ایرانی و عزاداری عاشورا (نقش صوفیه، قلندریه و اهل قنوت در بنیان‌گذاری آیین‌های عزاداری محرم)*، اصفهان: آرما.
۱۷. معتمدی، سید حسین (۱۳۷۸)، *عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علما، حوزه‌های علمیه و جهان*، ج ۱، قم: ظهور.
۱۸. میری خسروشاهی، حمیده و فریدآقایی، مریم، ۱۳۹۳، «بررسی مردم‌شناختی آیین قربانی سی‌وششمین روز بهار در اسفنجان»، *فرهنگ مردم ایران*، شماره ۳۶، ۱۲۹-۱۴۴.
۱۹. یارشاطر، احسان، ۱۳۶۷، «تعزیه و آیین‌های سوگواری در ایران قبل از اسلام»، در *تعزیه هنر پیشرو ایران*، گردآوری پیتیر چلکووسکی، ترجمه داوود حاتمی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۰. مصاحبه با محمد علیزاده ۸۰ ساله در منزل ایشان در روستای وش. ۱۳۹۶/۸/۲۶.
۲۱. مصاحبه با عصمت خادمی ۷۰ ساله، محل در منزل ایشان در روستای وش. ۱۳۹۶/۸/۲۶.
22. Boyce, Mary (1989), *BIBI SAHRBANU, Encyclopaedia Iranica*, Vol. 4, Leiden.
23. ----- (1988), *BANU PARS, Encyclopaedia Iranica*, Vol. 3, Leiden.